

## نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا

سام اکرمی<sup>۱</sup>، عاطفه اکبری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

### چکیده

پدیده قاچاق کالا امروزه به عنوان یکی از چالش های مهم جامعه مدنی و نظام عدالت کیفری مطرح است. این امر به خصوص در قرن حاضر روند رو به رشدی را دنبال کرده است. از این رو دنیای امروز به شدت نیازمند تلاشی همه جانبه و برنامه ریزی شده است تا از این طریق بتوان تا حدود زیادی از شدت این نوع بزهکاری و جرم در جامعه کاست. یکی از نهاد های دخیل در امر پیشگیری از جرم، نهاد مجری قانون یا پلیس است که به عنوان یکی از نهادهای نظام عدالت کیفری می تواند با توجه به جایگاه خود نقش تاثیرگذاری در برنامه های پیشگیری از جرم ایفا کند. بر اساس رویکردهای موجود در هر جامعه، پلیس راهبردهای خاصی را برای پیشگیری از جرم اتخاذ کرده است. برخی از این راهبردهای این نهاد در کشورهای مختلف عمومیت داشته و برخی دیگر فقط در جوامعی خاص به چشم می خورد. در این مقاله به بررسی قاچاق کالا، نقش و راهبرد های پلیس در پیش گیری از این جرم خواهیم پرداخت و مانند بسیاری از پژوهش های علوم انسانی به روش توصیفی- تحلیلی و کتابخانه ای انجام گرفته است.

**واژه های کلیدی:** قاچاق کالا، سیاست کیفری، پیشگیری پلیسی، پلیس.

## ۱- مقدمه

قاچاق کالا از بعد سیاسی تضعیف کننده ارتباطات کشورها، از بعد اجتماعی بر هم زننده تعادل اجتماعی و درآمد در میان اقشار جامعه، و از بعد اقتصادی ویران کننده است. قاچاق کالا بر اشتغال آثار مخربی بر جای می گذارد؛ زیرا با ورود کالاهای قاچاق (با قیمت پایین) تولید ملی آسیب می بیند و از میزان تقاضا برای محصولات داخلی کاسته می شود. پایین آمدن تقاضا موجب کاهش سودآوری و در نهایت کاهش سرمایه گذاری در بخش تولید داخلی و این خود باعث کاهش اشتغال خواهد شد که همزمان بیکاری افزایش و بحران های اجتماعی ناشی از آن گسترش خواهد یافت و در نهایت امنیت ملی به خطر می افتد. پدیده قاچاق کالا در کشور ما واقعیتی کتمان ناپذیر است که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به ویژه در سالهای اخیر نضج گرفته است. اقلام متنوع کالاها از طریق قاچاق به صورت غیرقانونی وارد کشور می شود و حجم عظیمی از منابع کمیاب ارزی از این طریق به جیب اداره کنندگان شبکه های سازمان یافته قاچاق کالا سرازیر می شود.

آثار مخرب قاچاق عبارت است از: پرداخت نشدن حقوق و عوارض دولتی، بر هم زدن تعادل بازار رقابتی، تقویت باندهای مافیا از طریق سودآوری زیاد، ایجاد فساد مالی و اداری، مختل کردن بازار و بخش تولید و توزیع کشور، و رخنه ارتشا و فساد در نظام اداری می باشد. قاچاق کالا تأثیرات نامطلوبی نیز بر کاربرد سیاست های تجاری و اقتصادی دارد.

هدف حقوق کیفری، در نتیجه تغییرات سیاست های کیفری بیشتر بر پیشگیری تأکید دارد تا مجازات. آنچه در این تحقیق سعی در بررسی آن داریم، نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق می باشد، باید گفت یکی از راهبردهای مقابله با جرایم، استفاده از نیروی پلیس در پیشگیری وضعی از بزهکاری است. شهروندان حمایت از زندگی خصوصی خود و اولویت های پیشگیری از جرم و مهار آن را، بیش از عناصر دیگر نظام عدالت کیفری مورد ارزیابی دقیق و موشکافانه قرار می دهند و انتظار دارند.

امروزه پیشگیری از بزهکاری در یک مفهوم موسع به کار می رود و طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم در بر می گیرد. پیشگیری در مفهوم موثق اقدامات کیفری را نیز در بر می گیرد، زیرا هدف مجازات نیز پیشگیری خاص یا عام از جرم است.

همان گونه که در قوانین، صراحتاً «پیشگیری از وقوع جرم» جزو وظایف نیروی انتظامی شمرده شده، باید زمینه تحقق این امر عملاً و به طور سازمان یافته فراهم گردد.<sup>۱</sup> برخی وظایفی که طبق قانون به عهده نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه محول شده است، عبارت است از: پیشگیری از وقوع جرایم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد و مواردی از این قبیل می باشد.

آنچه به عنوان اساسی ترین وظیفه نیروی انتظامی در درجه اول مطرح است، پیشگیری از وقوع جرم است. پلیس با ایفای نقش سنتی خود که همان حضور فعال در جامعه و کشف جرایم است، به هدف پیشگیری وضعی نیز تا حدی کمک می کند. صرف حضور پلیس در سطح اجتماع موجب کاهش جرایم است.

## مفهوم شناسی قاچاق:

«اصطلاح قاچاق عبارت است از تقلب گمرکی است که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی باشد».<sup>۲</sup> در قوانین کیفری ایران تعریف صریح و شفافی از قاچاق یافت نمی شود و قانون گذاران، به جای ارائه تعریفی جامع و مانع از قاچاق و متمایز کننده آن از دیگر جرایم، ارتکاب دسته ای مشخص از اعمال مجرمانه را قاچاق تلقی کرده، و در واقع، فعل

<sup>۱</sup> - قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۷، تیر ۱۳۶۹، ماده ۴، بند ۸، روزنامه رسمی، شماره ۱۳۲۳۹، مورخه ۱۳۶۹/۵/۲۷.

<sup>۲</sup> - گمرک جمهوری اسلامی ایران، بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت طرح و برنامه، دفتر برنامه ریزی و بهبود سیستم های گمرکی، ص ۳.

قاچاق را با مصادیق آن بیان کرده اند. به هر صورت، قاچاق فعلی انسانی است و باید تعریفی مشخص و شفاف از آن به دست داد.

در ترمینولوژی حقوق در باب قاچاق چنین آمده است: « حمل و نقل کالا از نقطه ای خواه هر دو نقطه مزبور در داخله کشور باشد ( قاچاق داخلی) خواه یک نقطه در داخله و یک نقطه در خارجه باشد ( که آن را قاچاق خارجی می گویند) برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقص ممنوعیت یا محدودتی باشد که قانوناً مقرر شده است ( خواه عمل مزبور ناقص امتیازی یا انحصاری باشد خواه نباشد). مثلاً صدور و ورود اجناس مجاز بدون دادن عوارض گمرکی « قاچاق گمرکی» است. ( جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ۳۰۳).

قاچاق را از نظر ورود و خروج کالا از کشور می توان به دو قسمت قاچاق صادراتی و قاچاق وارداتی تقسیم کرد. قاچاق صادراتی: قاچاق صادراتی بر کالایی اطلاق می شود که بدون انجام گرفتن تشریفات گمرکی و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از کشور خارج شود.

قاچاق وارداتی: قاچاق وارداتی بر کالایی اطلاق می شود که بدون انجام گرفتن تشریفات گمرکی و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به کشور وارد شود.

قاچاق را از نظر راههای ورود و خروج کالا از کشور می توان به دو قسمت قاچاق گمرکی و قاچاق غیرگمرکی تقسیم کرد. قاچاق گمرکی: قاچاق گمرکی عملی غیرقانونی است که در آن شخصی کالای قاچاق خود را از مرزها و مناطق مجاز گمرکی به کشور وارد یا از آن خارج کند.

قاچاق غیرگمرکی: قاچاق غیرگمرکی عملی غیرقانونی است که در آن شخصی کالای قاچاق خود را از مرزها و مناطقی به جز مرزهای مجاز گمرکی به کشور وارد یا از آن خارج کند. ( سیف، ۱۳۸۷، ۲۲).

### سیر تاریخی مقابله با قاچاق کالا:

در این مبحث به طور مختصر به بررسی سیر تاریخی مقابله با قاچاق کالا می پردازیم و سعی می شود که تحولات قانون گذاری قبل از انقلاب و بعد از آن اشاره شود.

#### ۱- پیش از انقلاب:

پس از ظهور اسلام با توجه به مقررات اسلامی که در ایران حاکم بوده نگهداری، خرید، فروش و توزیع برخی از کالاها که حرمت شرعی داشته اند، ممنوع و مستوجب مجازات شرعی بوده است. کالاهایی مانند؛ خمر، آلات موسیقی، خوک و آلات قمار. پس از شروع قانون نویسی در ایران، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۲۸۶/۰۹/۲۷ موضوع نگهداری و خرید و فروش کالاهای قاچاق در داخل کشور را مدنظر قرار داده است.

ماده ۲۸۱ قانون مذکور یکی از وظایف تابین ضبطیه را نظارت آنان در حفظ جنگلها و قواعد خرید و فروش سموم و عدم خرید و فروش اموال قاچاق و اشیاء ممنوعه دانسته است. ماده ۴ قانون مالیات دخانیات مصوب ۱۲۹۴/۰۷/۰۶ نیز عدم پرداخت مالیات توتون و تنباکو توسط اشخاص را قاچاق تلقی و مجازات آن را ضبط کالا مقرر داشته است. همچنین قوانین دیگری از جمله قانون مربوط به اساسنامه شرکت شیلات و صید ماهیان غضروفی مصوب ۱۳۳۹/۰۳/۱۸، قانون مجازات مرتکبین قاچاق کالا مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصطلاحات بعدی، قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۳۰ تا قبل از سال ۱۳۸۱ در مراجع قانون گذاری به تصویب رسیده که برخی از آنها به صراحت نگهداری، توزیع، خرید و فروش کالاهای قاچاق در داخل کشور را جرم تلقی نموده اند و مقررات مربوطه نیز تاکنون نسخ نشده و در حد فعلی لازم الاجرا می باشد. ( سیف، ۱۳۷۶، ۲۷).

## ۲- پس از انقلاب:

فرمان مقام معظم رهبری پس از گسترش پدیده قاچاق در اواخر دهه ۷۰ که عمدتاً از گستردگی مرزهای جغرافیایی و صرفاً تلقی قاچاق کالا در مرزها نشأت می گرفت، مقام معظم رهبری به منظور تشدید برخورد با قاچاقچیان کالا و رفع موانع قانونی و ابهامات موجود در نحوه مبارزه قاچاق کالا طی فرمان مورخه ۱۳۸۱/۰۴/۱۲ فرمودند: «... اولاً باید کانون مرکزی این مبارزه در سطحی عالی نزدیک به رئیس دولت و دارای اشراف قانونی بر دستگاههای ذیربط دولتی قرار گیرد. ثانیاً؛ تبلیغات متناسب و هوشمندانه و همه جانبه در خدمت این مبارزه قرار گیرد. ثالثاً؛ برخورد قضایی و انتظامی قاطع و در ارتباط کامل با تصمیم گیری های آن کانون مرکزی باشد. رابعاً؛ عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاق برای قاچاقچی کاملاً برخلاف صرفه و همراه با خطر باشد و جنس قاچاق از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار آماج اقدامات گوناگون این مبارزه قرار گیرد...».

معظم له در این فرمان ابهامات موجود در رابطه با نحوه مبارزه با قاچاق کالا که مورد تردید قضات دستگاه قضایی بود را مرتفع نموده و پس از آن بود که مقنن به تدریج با تدوین و تصویب قوانین جدید در این خصوص، راهکار قانونی در اختیار دستگاه قضایی قرار داد و در راستای این مهم روش مرجع قضایی در برخورد با قاچاقچیان کالا به مرور زمان تغییر نمود.

نگاهی اجمالی به قوانین موجود در رابطه با قاچاق کالا گرچه همانگونه که مرقوم گردید، قوانین مختلفی قبل از سال ۱۳۸۱ فعل نگهداری و توزیع کالای خارجی که از مبادی غیر مجاز وارد شده باشد را در کلیه نقاط کشور جرم تلقی و مشمول مقررات مربوط به قاچاق کالا میدانستند. لیکن پس از صدور فرمان مقام عظمای ولایت مقنن با تأسی از فرمان معظم له در قوانین آتی به این مهم صراحتاً اشاره نمود از جمله مهمترین قوانینی که در این زمینه (مقررات سابق و لاحق) جاری بوده و مستند مراجع قضایی و شعب تعزیرات حکومتی قرار می گیرد. (سیف، ۱۳۷۶، ۲۹).

## مفهوم سیاست جنایی و انواع آن:

سیاست جنایی مجموعه روش هایی را شامل می گردد که هیأت اجتماع با توسل به آن ها پاسخ های خود به پدیده ای مجرمانه (جرم و انحراف) را سازمان می بخشد. امروزه سیاست جنایی برخلاف دیدگاه دانشمندان گذشته که آن را شاخه ای از جرم شناسی یا حقوق جزای کاربردی به شمار می آورند، یک رشته ی مطالعاتی مستقل در علوم جنایی محسوب می شود که البته از یافته های سایر علوم جنایی محسوب می شود که البته از یافته های سایر علوم نیز بهره می گیرد و در واقع یک رشته ی مطالعاتی میان رشته ای که با توجه به آنچه گفته شد، دارای چهار رکن اساسی شامل: جرم، انحراف، دولت و در نهایت یک سیاست جنایی مطلوب، برخلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست؛ بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی؛ زدودن عوامل ایجاد بزهکاری؛ رفع تبعیضات قانونی و بی عدالتی؛ و درمان و بازسازی بزهکاران را نیز از ویژگی های خود می داند.

سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که علوم بسیاری را در راستای رسیدن به اهداف خود به خدمت می گیرد و از طرف دیگر با سازمان های فراوانی در ارتباط است که از طریق این سازمان ها تدابیر خود را به مرحله اجرا در می آورد؛ از این رو سیاست جنایی از زوایای مختلف تقسیم بندی می شود که یکی از آن ها، تقسیم به سه قسمت: تقنینی، قضایی و مشارکتی است. سیاست جنایی تقنینی، مجموعه ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در برمی گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای مطمئنی چون ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می باشد. سیاست جنایی تقنینی، خود بر دو گونه است. گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می کند.

در سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزهکار یا منحرف، هدف، انسان گرایی است و لذا با این دیدگاه، قانون، زمانی در حقیقت یک قانون مبتنی بر سیاست جنایی است که: «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، یا کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزهکاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است، مجازات و به طور

کلی ضمانت اجرا حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ چرا که آنچه مهم است شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی او.

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیم ها و عملکرد دادگاه های دادگستری منعکس است. پس از آن که قانون گذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین و پیام های قانون گذار، به صورت های متفاوتی درک و پذیرفته می شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آنها. به بیان دیگر «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می گیرد.»<sup>۳</sup>

سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در سیاست جنایی، است. به عبارتی دیگر: در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم های تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیش تر به طرح سیاست جنایی است، که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می گردد.

### سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا:

دولت هر سال با توجه به امکانات و نیازهای کشور و با هدف ایجاد توازن در پرداخت های خارجی، با اتخاذ سیاست های تجاری، حجم واردات و صادرات را معین می کند. قاچاق کالا این گونه هدف های دولت را خنثی می کند. زیرا کالاهای قاچاق وارداتی به ناچار دارای هزینه های ارزی برای اقتصاد ملی است که خارج از محاسبات دولت بر اقتصاد کشور تحمیل می شود. علاوه بر قاچاقچیان کالاهای صادراتی که ارز حاصل از صادرات را به نظام بانکی کشور باز نمی گردانند، در واقع به فرار سرمایه از کشور کمک و در موقعیت نیاز کشور به ارز برای سرمایه گذاری، تبعات اقتصادی زیانباری را بر اقتصاد کشور تحمیل می کند، قاچاق کالا از یک سو، هزینه واردات را بیش از حد مورد نظر دولت بالا می برد و از سوی دیگر هدف های دولت در تخصیص ارز به واردات کالاهای ضروری، سرمایه ای و واسطه ای به منظور رشد تولیدات داخلی را مخدوش می سازد. کالاهای قاچاق معمولاً مصرفی و غیرضروری هستند و تأثیر منفی بر رشد تولید داخلی ندارند، بر الگوی مصرف جامعه نیز اثرات نامطلوبی داشته و تولیدات داخلی را نیز با رقابت فشرده تری در بازار داخلی مواجه می سازند. لذا قاچاق کالا، اساس سیاست های بازرگانی دولت و توازن تجاری مورد نظر آن را مخدوش نشان می دهد.

سود فزاینده قاچاق، انگیزه سرمایه گذاری های مولد را نیز کاهش می دهد و در سرمایه گذاری انحراف ایجاد می کند. با انحراف سرمایه گذاری ها و کاهش سرمایه گذاری های مولد و اشتغال زا، درآمد ملی و همچنین درآمد سرانه کاهش و در نتیجه فقر بیش از پیش در جامعه گسترش

می یابد. قاچاق کالاهای وارداتی، دولت را از دریافت سود بازرگانی و عوارض گمرکی محروم می کند و درآمدهای ریالی آن را کاهش

می دهد. ورود کالاهای قاچاق که به علت نپرداختن حقوق و عوارض گمرکی، قیمت تمام شده پایین تری در رقابت با تولیدات داخلی دارند، صنایع داخل را به رکود فعالیت ها و در نتیجه تعطیلی می کشاند. (درویش، ۱۳۸۴، ۱۶).

ارزی که در اثر ورود کالاهای قاچاق از کشور خارج می شود، می تواند در فعالیت های مولد به کار گرفته شود و باعث ایجاد اشتغال و افزایش تولید شود. این در حالی است که فقط تعداد اندکی شغل کاذب در بخش قاچاق ایجاد می شود که همان نیز از طریق جایگزینی کالاهای وارده تولید و اشتغال داخلی موجود را از بین می برد.

تجمل گرایی و مصرف زدگی با تغییر ارزش های اجتماعی و افزایش نیازها، زمینه مفسد مالی و اقتصادی را فراهم می آورد. این همه از پیامدهای قاچاق کالا است. قاچاق کالا اصولاً الگوی مصرف داخلی را تغییر می دهد. وقتی کالاهای لوکس با قیمت

<sup>۳</sup> - اداره کل پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، منبع پیشین، ص ۱۷.

ارزان وارد کشور می شود، مصرف آنها افزایش می یابد و لذا الگوی مصرف به ویژه برای قشر بالای جامعه که قدرت خرید بالایی دارند به سوی استفاده از کالاهای لوکس و مصرفی گرایش می یابد. به محض ورود کالای قاچاق، آثار تبلیغی و نمایشی آن ظاهر می شود چون الگوی مصرف جامعه و پدیده قاچاق اثر متقابل بر یکدیگر دارند. قاچاق عمدتاً از مناطقی صورت می گیرد که خطرپذیری و هزینه کمتری داشته باشد. بدین لحاظ اکثر کالاهای قاچاق از مرزهای دریایی یا کوهستان های صعب العبور وارد یا خارج می شوند و قاچاقچیان به علت حفاظت شدیدتر، از راه های اصلی استفاده نمی کنند. مبادی ورودی و خروجی کالاهای قاچاق عمدتاً مرزهای استان هرمزگان، سیستان و بلوچستان، بوشهر و مرز کشورهای ترکیه، آذربایجان، عراق و پاکستان است. مبادی مهم دیگر برای ورود کالای قاچاق مناطق آزاد تجاری-صنعتی می باشند که ورود کالا به آنها آزاد است و خروج آن نیز به دلیل وسعت مرزهای دریایی آسان تر صورت می گیرد.

## اهداف جرم انگاری:

### ۱- حمایت از تجارت و درآمد دولت:

قاچاق کالا یا تجارت زیرزمینی به این دلیل مذموم شمرده می شود که سیاست های اقتصادی و بازرگانی ای را که دولت ها برای احیای موقعیت اقتصادی کشورشان اعمال می نمایند بی اثر یا کم اثر می کند. با این نگرش، قاچاق کالا امکان دارد، تأثیر مخربی در جریان اقتصاد ملی بر جا گذارد و مسیر اصلاحی آن را منحرف سازد. قاچاق کالا، توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را بر هم می زند؛ از این رو دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی همچون: سپرده سازی ارزی، درآمدهای ارزی سالانه، نیازهای وارداتی کشور و... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی های خارجی، بسته هایی از سیاست های تجاری را در پیش می گیرد که بر مبنای آن، حجم و ارزش صادرات و واردات کشور معین می شود. صادرات و واردات غیرقانونی (قاچاق)، اهداف یاد شده را غیرقابل تحقق می نماید؛ در حالی که تجارت قانونمند، امکان اعمال سیاست های بازرگانی در پیش گرفته شده به منظور بهبود ساختار و موقعیت اقتصاد ملی را به وجود می آورد و از هدر روی منابع ارزی که از طریق قاچاق کالا از اقتصاد ملی خارج و صرف واردات کالاهایی می شود که شاید نیاز واقعی اقتصاد به آنها در حد صفر باشد، جلوگیری می کند.

### ۲- حمایت از تولیدات داخلی:

پدیده ی قاچاق کالا مشکلات اقتصادی را تشدید می کند؛ زیرا قاچاق، پدیده ای است مخرب که صدمه ی فراوانی بر پیکره ی اقتصاد کشور وارد می کند. قاچاق کالا به کاهش تولیدات صنعتی منجر می شود و فرصت های سرمایه گذاری را برای ایجاد اشتغال مولد و مؤثر در رشد تولید ناخالص داخلی از بین می برد. رواج قاچاق کالا و سرمایه گذاری در این بخش، به دلیل سودآوری بسیار زیاد آن، موجب می گردد که سرمایه گذاری در امور تولیدی و اشتغال زا کاهش یابد و تولیدات ملی و داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند، آسیب ببینند و در برخی مواقع نیز به زیان دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت آن واحدهای تولیدی منجر گردد. پدیده های قاچاق، آثار منفی بر سیاست های اجرایی دولت نیز دارد؛ چرا که دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشور، غالباً سیاست های حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوپا را در پیش می گیرد. کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می شوند، به علت پرداخت نکردن حقوق گمرکی و سود بازرگانی، قیمتی پایین تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازارهای داخلی دشوار و مشکل می شود و موجب رکود فعالیت های صنعتی می گردد.

بنابراین قاچاق کالا، سیاست های قانون گذار را مختل ساخته و به عنوان تهدیدی برای تولیدات داخلی محسوب می شود که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند.

### ۳- پاسداری از اصول اخلاقی و ارزشی:

از مهم ترین معضلات قاچاق، ورود کالاهای غیرمجاز و مغایر با اصول و ارزش های حاکم بر جامعه است. در اغلب موارد آنچه در قاچاق و نوع کالاهای قاچاق شده مهم است، سودآوری آن است و اصولاً قاچاقچی توجهی به دیگر معیارها از جمله هم خوانی کالای قاچاق با مبانی ارزشی و اعتقادی کشور ندارد؛ به همین دلیل است که کالاهایی مغایر با ارزش ها، سنت ها و اعتقادات مردم به صورت قاچاق وارد کشور می شود و در بین اقشار جامعه به خصوص نسل جوان و فعال، توزیع می گردد. در این میان برخی محصولات به صورت سازمان دهی شده و جهت دار با هدف تهاجم به ارزش ها و معیارهای اخلاقی و نه صرفاً به دلیل سودآوری به داخل کشور، قاچاق می شوند. اصولاً به دلیل نبود نظارت بر کالاهای قاچاق، یکی از بهترین راهکارهای نفوذ فرهنگی به داخل کشور قاچاق کالا است.

سیاست گذار تقنینی با توجه به اهمیتی که در خصوص حفظ ارزش های اخلاقی و اسلامی داشته است، ورود و خروج کالاهایی را که با مبانی و ارزش های اسلامی و ملی ایران در تعارض می باشد، ممنوع و مجازات های سنگین تری برای این قبیل کالاها در نظر گرفته شده است. در این خصوص می توان به ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص قاچاق میزات فرهنگی، که یکی از پیامدهای شوم فرهنگی قاچاق کالا است، اشاره نمود:

« هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نینجامد، قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می گردد.»

### نقش دولت و پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا:

یکی از راهبردهای مقابله با جرایم استفاده از نیروی پلیس در پیشگیری وضعی از بزهکاری است. شهروندان حمایت از زندگی خصوصی خود و اولویت های پیشگیری از جرم و مهار آن را، بیش از عناصر دیگر نظام عدالت کیفری مورد ارزیابی دقیق و موشکافانه قرار می دهند و انتظار دارند. کار پلیس در جلوگیری از جرم، بخش عمده ای از ابعاد مرتبط با دولت و جامعه را تشکیل می دهد. پلیس باید نیروی عمده اش را در جهت جلوگیری از وقوع بزه مصرف نماید؛ اما متأسفانه اندیشه مبارزه سرکوبگرانه به مجرمان که یکی از خطرناک ترین ایده هاست، به عنوان وظیفه اصلی پلیس جا افتاده است.

در ایران موضوع پیشگیری از جرم به معنای خاص توسط پلیس آن گونه که شایسته است، نهادینه نشده است. اگر چه در قوانین گاهی به وظیفه پیشگیری توسط مراجع انتظامی اشاره شده و در عمل نیز به طور پراکنده گاهی اقدامات پیشگیرانه توسط نیروی انتظامی صورت می گیرد، اما این امر مهم و ضروری به ترتیبی سازمان یافته و گسترده در نیروی پلیس انجام نیافته است.

آنچه به عنوان اساسی ترین وظیفه نیروی انتظامی در درجه اول مطرح است، پیشگیری از وقوع جرم است. پلیس با ایفای نقش سنتی خود که همان حضور فعال در جامعه و کشف جرایم است، به هدف پیشگیری وضعی نیز تا حدی کمک می کند. صرف حضور پلیس در سطح اجتماعی موجب کاهش جرایم است. (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ۲۲۴).

### اهداف پیشگیری پلیسی از جرم قاچاق:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی وظیفه مبارزه با قاچاق را در کشور بر عهده دارد. واقعیت آن است که از لحاظ فیزیکی، مبارزه با قاچاق باید هنگام ورود به مرزهای غیرمجاز کشور صورت گیرد. عمده قاچاق های کلان از مرزهای آبی کشور و از مجاری و مبادی غیرمجاز صورت می گیرد. گستردگی خط مرزی در حاشیه جنوب و وجود خورها و لنگرگاههای غیرمجاز و نیز حضور نداشتن نیروهای انتظامی در نقطه صفر مرزی، مانع جلوگیری از ورود کالاهای خارجی به صورت قاچاق در سطح کلان است. بدین ترتیب، نیروهای انتظامی ناچار تلاش خود را صرف برخورد با مسافران و گروههای می کند که کالاهای قاچاق را به استانهای داخلی کشور حمل می کنند.

نقش قوه قضائیه و محاکم رسیدگی کننده به جرایم قاچاق اهمیت به سزایی دارد. در حقیقت، تمامی تلاشها و فعالیت های واحدهای کشف و ادارات وصول درآمدهای دولت در کشف کالای قاچاق و تشکیل پرونده و اقدامات قانونی لازم علیه قاچاقچیان هنگامی به ثمر می نشیند که محاکم ذیربط نیز، همسو و هماهنگ با تفکر کلی نظام، لزوم مبارزه با پدیده قاچاق را جدی بگیرند. پیچیدگی های فنی و علمی پرونده های قاچاق، خصوصاً قاچاق موضوع ماده ۲۹ «قانون امور گمرکی» اقتضا می کند که قضات رسیدگی کننده به این گونه پرونده ها توانایی و صلاحیت های تخصصی لازم را داشته باشند و تا حد امکان از ابزارهای قانونی موجود خصوصاً جلب نظر کارشناسان رسمی در امور گمرکی و قاچاق ( که به موجب حفظ به موقع حقوق دولت و مردم می شود) استفاده کنند.

تجربه نشان داده است هنگامی که دادگاهها در صدور رأی ارفاق هایی غیرضروری قائل شده اند، قاچاقچیان با جسارت بیشتری به ارتکاب بزه قاچاق مبادرت کرده اند برعکس، برخورد جدی و قانونی دادگاهها با قاچاقچیان موجب دلگرمی ضابطان و مأموران وصول عایدات دولت شده است.

مقابله انتظامی یکی دیگر از حلقه های جلوگیری از قاچاق کالا و مقابله با آن است. در واقع، نظارت و مقابله انتظامی با افزایش دادن خطرهای فعالیت غیرقانونی قاچاق نقش مؤثری در هدایت فعالیت های تجاری به مجاری رسمی و قانونی دارد. برعکس، اگر مقابله و نظارت انتظامی ضعیف باشد، با کاهش یافتن خطرها، قاچاق تشدید خواهد شد. در این باره باید تأکید کرد که توجه به ظرفیت ها و امکانات نیروی انتظامی بر انجام دادن کارآمد مأموریتش لازم و ضروری است. تحمیل تکالیف مالایطاق به این نیرو نتیجه ای جز کاهش اقتدار نیروی انتظامی و ایجاد جسارت در عوامل قاچاق نخواهد داشت. از این زاویه، به جای درگیر کردن نیروی انتظامی با عوامل خرده ای در قاچاق که بیشتر از افسار آسیب پذیر جامعه اند، بهتر است برخورد با موارد کلان در مبادی اصلی را دستور کار نیروی انتظامی قرار داد و این نیرو را به امکانات پیشرفته مجهز کرد. ( سیف، ۱۳۸۷، ۱۶۴).

### تأثیر پلیس در پیشگیری از قاچاق در گمرک:

هدف پلیس نباید تنها کشف قاچاق باشد، بلکه باید از طریق تصویر سازمانهای کلان و شناسایی لایه های پنهان قاچاق از بروز این معضل پیشگیری کند. یکی از الویتهای تهدیدات در حوزه امنیت اجتماعی، تهدیدات اقتصادی است؛ ستاد اقتصادی و بهره گیری برخی از افراد از قاچاق و استفاده از درآمدهای نامشروع آن منجر شد. تا در برخی از مناطق کشور که قاچاق بیشتر مشاهده می شود، الگوی زندگی تغییر کند همانند شهرهای مرزی.

پلیس باید کاری کند که قاچاق نه تنها برای قاچاقچی سود نداشته باشد، بلکه برای قاچاقچیان نیز همراه با خطر باشد؛ و مبارزه قاچاق باید در تمامی عرصه ها باشد و آماج حملات آنی نیز با روشهای مختلف انجام شود. توجه به لایه های پنهان قاچاق امری ضروری است، با بی توجهی به این امر نمی توانیم در امر پیشگیری موفق شوم و در مقابله نیز مجبور به پرداخت هزینه های زیادی می شویم؛ بنابراین از طریق اقدامات اطلاعاتی و با پشتوانه علمی و مطالعاتی عمیق، پدیده های اقتصادی را به لایه های مختلف شکافته و بررسی کنیم.

تقدم به روشهای اطلاعاتی و اقدامات هوشمندانه یکی از اقدامات نیروی انتظامی در برخورد با قاچاق است؛ بنابراین باید باندهای شناسایی شده، مهندسی اطلاعاتی شوند تا به پیشگیری از بروز قاچاق بیانجامد، هدف پلیس نباید صرفاً کشف قاچاق باشد، بلکه این نیرو با شناسایی لایه های پنهانی قاچاق موفق به پیشگیری شود و تأکید بر برخورد پلیس با دانه درشتها و انجام اقدامات اطلاعاتی عمیق و گسترده و تشکیل پرونده ها با مستندات قوی در مورد گردانندگان اصلی قاچاق منجر می شود تا پرونده های آنان به دلیل نبود دلایل محکمه پسند برگشت نخورد و این افراد در چنگال قانون گرفتار شوند.

### رویکردهای پلیسی پیشگیری از جرم:

نتایج حاصل از تحقیقات مربوط به بازدارندگی مجازات ها و ارزیابی های صورت گرفته از میزان کارایی نظام عدالت کیفری در کنترل میزان جرم و پیشگیری از آن، منجر به شکل گیری رویکرد جدیدی بنام رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم شده



است. در این رویکرد، پیشگیری مؤثر از جرم زمانی صورت می‌گیرد که تمامی کنشگران غیررسمی و رسمی دخیل در زمینه پیشگیری به تعامل با یکدیگر دست یابند.

پیشگیری پلیسی بر قابلیت های نیروی پلیس در تحقق اهداف پیشگیری از جرم مبتنی است به عبارت دیگر مبنای پیشگیری پلیس، اختیارات و توانایی های نیروی پلیس در پیشگیری از جرم در جامعه است. پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیشگیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. (افراسیابی و نوروزی، ۱۳۸۹، ۲۴-۲۲).

نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند، نقش بسزایی در کاهش نرخ جرایم خواه پیش از وقوع جرم و خواه پس از آن داشته باشد. از آنجا که پیشگیری از جرم اصولاً کاملاً مبتنی بر دو شیوه است (یعنی پیشگیری کیفری: پیشگیری بر نظام عدالت کیفری و پیشگیری غیرکیفری: پیشگیری از جرم خارج از نظام عدالت کیفری) بررسی مبنای پیشگیری پلیس مستلزم تبیین این مطلب است که این پیشگیری چگونه و تا چه میزان می‌تواند بر جهت تحقق اهداف پیشگیری کیفری و غیرکیفری مؤثر باشد از این رو، پیشگیری پلیس، مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس است که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی عمومی، نظارت بر اماکن، افزایش هزینه های ارتکاب جرم و مداخله وقوع جرم، درصد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است. (محمد نسل، ۱۳۸۷، ۴۵).

در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و قدرت در فرایند تعقیب و دستگیری، که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است. فعالیت پیشگیرانه خود را انجام می‌دهد. خبر بازدارنده و ارعایی مداخله کیفری پلیس از سوی و بالا بردن احتمال دستگیری و افزایش ریسک ارتکاب جرم، قصد تمایل مجرمان احتمالی برای ارتکاب بزه را کاهش می‌دهد. و در پیشگیری غیرکیفری نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه های پیشگیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه دار، گشتهای خیابانی، نظارت بر مناطق جرم زا، نصب دوربین مدار بسته در معابر عمومی و جرم نیز و بسیاری دیگر از برنامه های پیشگیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن را به کنترل خود در می‌آورد.

امروزه نیروی پلیس در کشورهای پیشرفته، دوره اقتدارگرایی خود را پشت سر نهاد، و وارد دوره جامعه گرایی شده است. در این دوره، پلیس در جهت برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه گام بر می‌دارد. بنابراین، نیروی پلیس تعامل نزدیکی با افراد جامعه دارد. به آموزش و آگاه سازی آنها می‌پردازد و جهت آرامش در جامعه پلیس باید همواره در دسترس مردم باشد، پلیس می‌تواند با آگاهی از واقعیتهای جامعه، مسائل اقتصادی، بودجه، برنامه ریزی در جهت مسائل اقتصادی و شفاف سازی اقدام به برنامه ریزی جهت پیشگیری از جرم کند.

### رویکردهای پیشگیری پلیسی در خصوص قاچاق کالا:

رویکرد کاهش بازار جرم شامل ۴ راهبرد می‌شود:

(الف) شناسایی محصولات داغ - شناسایی محصولاتی که بیشترین جذابیت را برای بزهکاران دارند، جامعه را قادر به انتخاب درباره خرید کالای امن می‌سازد. همچنین دانستن اینکه چه محصولاتی داغ است، پلیس را قادر به شناسایی بازارهای خرید و فروش آنها، موقعیت بالقوه بازارهای مذکور و اماراتی در مورد اینکه چه کسانی به خرید و فروش اموال در یک بازار می‌کنند، خواهد کرد.

(ب) سخت کردن هدف: کم ارزش تر کردن یک محصول و آسان تر کردن دستیابی به آن، موجب کاهش مطلوبیت محصول خواهد شد. سخت تر کردن هدف می‌تواند راهبردهایی مانند راهبردهای زیر را شامل شود: نشانه گذاری اموال توسط کارخانه ها - طراحی محصولات با ویژگی های خاص امنیتی استفاده از هشدار دهنده ها.

(ج) مبارزه با خرید و فروش اموال قاچاق: راهبردهایی مانند قاعده مند کردن و صدور مجوز برای خرید و فروش تصویب مقررات مرتبط با خرید و فروش

(د) برنامه های آموزش عمومی (محمد نسل، ۱۳۸۷، ۱۱۴-۱۱۳).

## نتیجه گیری:

ابعاد منفی قاچاق کالا را می توان از زوایای متفاوتی بررسی کرد. قاچاق کالا از بعد سیاسی نقطه ای منفی در کشورها تلقی می شود؛ قاچاق کالا از بعد اجتماعی باعث برهم خوردن تعادل اجتماعی و درآمدی در میان اقشار جامعه می شود و موجد طبقه ای ثروتمند و در عین حال، منفور در جامعه است؛ قاچاق کالا از بعد اقتصادی نیز ضربات مهلکی به اقتصاد جامعه وارد می آورد، قاچاق کالا غیرمستقیم در سرمایه گذاری ملی کشور تأثیر منفی دارد. با ورود کالاهای قاچاق ( با قیمت پایین) تولید ملی ضربه می خورد و تقاضا برای محصولات تولید داخل کاهش می یابد و به دنبال آن سودآوری و در نهایت سرمایه گذاری در بخش تولید داخلی کاهش می یابد.

کاهش سرمایه گذاری نیز باعث کاهش اشتغال می شود و میزان بیکاری را افزایش خواهد داد. با افزایش بیکاری، بحران های اجتماعی و تبعات ناشی از آن نیز افزایش می یابد و در نهایت امنیت ملی به خطر می افتد.

یکی از ابعاد بسیار مهم قاچاق کالا تأثیر منفی آن در امنیت ملی است، قاچاق کالا به طریق مستقیم و غیرمستقیم امنیت ملی کشورها را تهدید می کند. قاچاقچیان برای فعالیت های پنهانی خود مجرای بسیار خوبی برای رخنه به اقتصاد، فرهنگ، بهداشت و... جامعه دارند.

قاچاق کالا یکی از بهترین راه های ورود ابزارهای تهاجم فرهنگی به داخل کشور است. دشمنان کشور با هدف ضربه به فرهنگ و از طریق قاچاق غیرقانونی کالا به داخل کشور به ورود انواع و اقسام ابزارهای تهاجم فرهنگی به کشور اقدام می نمایند. بدین ترتیب، نسل جوان جامعه آماج این تلاشها قرار می گیرد و آنان به ارزش ها و آداب و سنن و مذهب کمتر روی می آورند. پلیس به عنوان عاملی که در جامعه نقش ایجاد امنیت و حفظ آن را دارد، می تواند در امر پیشگیری مؤثر باشد، پیشگیری پلیس باید به نحوی باشد که در جامعه ایجاد رعب و وحشت نکند، زیرا یکی از مبانی پیشگیری مدرن عدم ایجاد رعب و وحشت می باشد از طرف دیگر باید گفت که پلیس در امر گمرک جزء مواردی است که به تازگی تعریف شده و در قانون برای این نقش حساس، ضوابط و اصولی در نظر گرفته شده است که می توان گفت این ضوابط و اصول ایجاد کننده نقش پلیس می باشد، یکی از وظایف پلیس که در قانون گذاری های اخیر لحاظ شده است، پیشگیری می باشد.

پیشگیری از جرم توسط پلیس مصادیق مختلفی می تواند، داشته باشد که یکی از موارد آن می تواند امر گمرک باشد که پلیس ایجاد برخی ضوابط و ارائه راهکارهایی می تواند در صادرات و واردات کنترل داشته و از امر قاچاق پیشگیری کند. البته باید گفت مهمترین عامل در امر پیشگیری، ایجاد آئین نامه و ضوابطی است که از طرف قانون گذار مشخص می شود. به نظر می رسد اکنون، پس از سپری شدن سالهای تجربه و طرح ادبیات علمی و اقدامات پیشگیرانه، زمان آن رسیده باشد که در کشور طرحی ملی برای برنامه ریزی در جهت پیشگیری از جرم تدوین و به مرحله اجرا درآید.

نخستین گام شناسایی وضعیت موجود و بسترهایی است که تقویت یا تضعیف آن از لازمه های بنیادین اجرای برنامه های پلیسی است. مثلاً وجود نظام جامع و یکپارچه آماری که اطلاعات مربوط به انواع جرایم ارتكابی را مشخص کند و میزان نرخ سیاه قاچاق را به حداقل ممکن برساند. یکی از بسترهایی است که برای طراحی هر نوع برنامه پیشگیرانه، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

سیاستهای تقنینی و قضایی در پیشگیری از قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه، سیاستهای اجرایی در پیشگیری، عرضه کالای قاچاق از قبیل فناوری های نوین، کدینگ، هولوگرام، بهبود کیفیت، مقررات سیاستهای بانک مرکزی و همچنین بررسی های نارسایی و خلاء های قانونی موجود در برخورد با عرضه کالا و ارز قاچاق از دیگر محورهای پیشگیری توسط پلیس می باشد. تخلفات در گمرکات به دلیل خلاء های قانونی و جعل اسناد - اقدام قاچاقچی از مجاری و مبادی رسمی می باشد.

جهت پیشگیری از بروز قاچاق توسط پلیس، توجه به لایه های پنهان و جایگزین سامانه جامع الکترونیکی جای نیروی انسانی و سامان دادن گمرک، نظام ترانزیتی و نظام پولی بانکی را که در سیاستهای کلان اقتصادی مؤثر از مهمترین اولویت های آن است.

کلیه برنامه های پلیس باید در راستای شعارها و ارزش های سازمانی پلیس ( نظیر پلیس جامعه محور) و رویکردهای نوین پیشگیری از جرم (نظیر مسئله محوری، پلیس گری ترمیمی، خصوصی سازی پیشگیری و ...) باشد. تخطی از این ارزشها و رویکردهای سازمانی منجر به دور شدن پلیس از اهداف پیشگیرانه و خطر گسترش مداخله های سرکوبگرانه خواهد شد. طراحی برنامه های پیشگیرانه باید با استفاده از روشهای تحقیق علمی و مناسب صورت گیرد، طراح برنامه (چه برنامه هایی که به صورت متمرکز و در سطح ملی اجرا می شود و چه برنامه های عملی) باید در توجیه مبانی نظری، با دلالت بر ادبیات علمی تحقیق، این اطمینان را حاصل کند که انجام این برنامه، مؤثرترین و کم هزینه ترین روش کنترل جرم خاص است. روش ارزیابی برنامه های پیشگیرانه پلیس باید درون برنامه پیش بینی شود، یعنی با اجرای طرحهای پلیس، میزان قوت یا نقص طرح ها مورد ارزیابی قرار گیرد و نسبت به تداوم یا پایان بخشیدن به آن تصمیم گیری شود.

### منابع فارسی:

۱. استفانی، گاستون. و (دیگران). (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. ترجمه: حسن دادبان. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
۲. آخوندی، عباس. (۱۳۸۲). مبانی نظری خصوصی سازی از منظر رابطه دولت و بازار. تهران: انتشارات پیشرو. چاپ اول.
۳. آسبورن ایده، کاتارینا کراوزه و آلن روساس. (۱۳۸۹). حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی. ترجمه: اردشیر امیر ارجمند و همکاران. تهران: انتشارات مجد. چاپ اول.
۴. انصاری، ولی ... (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی). تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
۵. بنایی، رضا. (۱۳۷۷). آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. چاپ ۴.
۶. جعفری لنگرودی، محمدباقر. (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ دوم.
۷. حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۰). پیشگیری از جرم، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی. ج ۵، چاپ اول.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی حمایتی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
۹. زینال زاده، ایرج. ابراهیمی، محسن. محمدی، ابوالفضل. (۱۳۷۵). مجموعه قوانین و مصوبات و مقررات در رابطه با قاچاق کالا و ارز و تخلف گمرکی، نشر قانون، چاپ اول.
۱۰. سیف، اله مراد، (۱۳۸۷). قاچاق کالا در ایران، انشارات مرکز پژوهشهای شورای اسلامی، چاپ اول.
۱۱. سیف، غلامرضا. (۱۳۷۶). تحولات جرایم گمرکی. تهران: انتشارات خرسند. چاپ اول.
۱۲. قاسم آبادی، عبدالله. (۱۳۷۹). پیشگیری پلیسی، تهران: انتشارات خرسند. چاپ اول.
۱۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). تقریرات بزهکاری اقتصادی. دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. افراسیابی، علی. و نوروزی، بهرام. ۱۳۸۹. رویکرد جامعه محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره چهاردهم.
۱۵. بابایی، محمدعلی. ونجیبیان، علی. ۱۳۸۷. تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌وری در پیشگیری از جرم (با تأکید بر تدبیر نظارت شخص ثالث). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره هفتم.
۱۶. درویش، امیرحسین، ۱۳۸۴. قاچاق کالا و ارز، نابسامانی اقتصادی و یا جرم بررسی قاچاق کالا و ارز و زندان، مجله اصلاح و تربیت. سال چهارم، شماره ۴۵.
۱۷. علوی، محمد. اصیلی، محمود. ۱۳۸۸. مدیریت تولید و اثرات آن بر قاچاق کالا، دو ماهنامه پژوهشی - تحلیلی. شماره ۶ و ۷، فروردین تا تیر.

۱۸. فرجیها، محمد. و مقدسی، محمدباقر، ۱۳۸۸. رعایت موازین قانونی در فرآیند تحقیقات پلیسی، ساز و کارهای درون سازمانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۱.
۱۹. گمرک جمهوری اسلامی ایران. بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت طرح و برنامه، دفتر برنامه ریزی و بهبود سیستم های گمرکی.